

فرماندهی و کنترل در نبرد برابر نیروی ناهمتراز

محمد رضا شیخ^۱

چکیده

معمولاً جنگ، آخرین راه رسیدن یک حکومت و ملت به اهدافش می‌باشد که در طول اعصار مختلف، دارای شکل‌های گوناگونی بوده و به‌طور کلی دارای چهار دوره مشخص می‌باشد که هم‌اکنون عصر چهارم (دوره پسامدرن) خود را در حال گذراندن است. در این دوره ایالات متحده آمریکا به لحاظ برتری همه‌جانبه نظامی، خود را پلیس جهان دانسته و کشورهایی را که در تضاد رأی با خود می‌بیند، مورد تهدید قرار می‌دهد. لذا کشورهای نظیر جمهوری اسلامی ایران، همواره در معرض تهدید نظامی آمریکا قرار داشته و به همین علت، محیط رزمی در پیش‌رو، یک محیط ناهمتراز می‌باشد که دارای مشخصات و ویژگی‌های مخصوص به خود است. فرماندهی و کنترل نیز در نبرد برابر نیروی ناهمتراز، دارای مشکلات، تهدیدات و مشخصات خاصی است که مدافع، با توجه به نقاط قوت خود و نقاط ضعف دشمن، بایستی در سه مرحله یعنی: قبل از درگیری (هنگام طرح‌ریزی)، هنگام نبرد و نهایتاً با اقدامات متقابل آن را به مورد اجرا گذارد تا هم سیستم فرماندهی و کنترل خود را تا حد امکان حفظ کند و هم تا جایی که ممکن است، سیستم فرماندهی و کنترل دشمن را با اختلال مواجه سازد.

کلید واژگان:

اعصار جنگ، نیروی ناهمتراز، تئوری واردن، جنگ اطلاعات، جنگ فرماندهی و کنترل

هر حکومتی دارای علائق، سلاطین و اهدافی است که تمامی سیاست‌ها و برنامه‌های خود را جهت نیل به آن‌ها تنظیم می‌کند. گاه این علائق و اهداف در تضاد با علائق و اهداف حکومتی دیگر قرار می‌گیرد که مقدمه برخورد بین حکومت‌ها را ایجاد می‌کند. این برخوردها می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد که جنگ آخرین و حادث‌ترین روش جهت دستیابی به اهداف ملی است. بدیهی است که هر ملتی برای این که وارد جنگ شود باید تمهیدات لازم را اندیشیده و پشتیبانی‌های مورد نیاز را فراهم کند، برآوردهای منطقی را تنظیم و بر مبنای برآوردهای تنظیم‌شده تصمیم به وارد جنگ شدن و یا کناره‌گیری از جنگ و رو آوردن به دیگر روش‌ها جهت نیل به اهداف مورد نظر بکند. اما ممکن است شرایطی ایجاد شود که حتی ملتی که قصد جنگ ندارد مجبور به جنگیدن شود، همان‌گونه که کارل فون کلازویتز^۱ در کتاب در جنگ می‌نویسد: «ملتی ممکن است حتی زمانی که نیروهای نظامی‌اش از نظر استعداد و فن‌آوری، ضعیف‌تر از دشمن است، مجبور به جنگ با او شود».

دکتر تی لندسی مور^۲ و روبرت بانکر^۳ جنگ‌ها را در چهار عصر یا دوره تقسیم‌بندی می‌کنند که بنابراین نظریه، چهار عصر جنگ عبارتند از:

۱. جنگ‌های عصر اول (دوره باستان، انرژی انسان) که مبتنی بر انرژی انسان در قالب سپاه فشرده و انبوه و هنگ‌های سازمان یافته بود.

۲. جنگ‌های عصر دوم (قرون وسطی) مبتنی بر استفاده از انرژی حیوانات و تشکیل سواره نظام.
۳. جنگ‌های عصر سوم (دوره مدرن و انرژی مکانیکی) مبتنی بر بکارگیری انرژی مکانیکی و سربازان حقوق‌بگیر که از زمامداری ناپلئون شروع و در جنگ جهانی دوم نهادینه گردید.
۴. جنگ‌های عصر چهارم (دوره پسامدرن) که به نظر تئوریسین آن دارای دو سبک است، سبک غربی مبتنی بر فن‌آوری‌های پیشرفته نظامی هم چون تسلیحات هدایت شونده دقیق، جنگ اطلاعات، واحدهای جنگی روباتیک، برتری در هوا و فضا و دیگری سبک غیرغربی

1- carl von clausewitz
2- T.Lindsi moor
3- Robert

تروریستی که توسط کشورها یا گروه‌های ضعیف‌تر به شیوه جنگ نامتقارن (به زعم ایشان) رو آورده‌اند.

بنابراین نظریه، جنگ‌های کنونی، عصر چهارم خود را می‌گذرانند. با مطالعه و بررسی جنگ‌های رخ داده از سال ۱۹۹۰ به بعد شاهد جنگ‌هایی هستیم که چند نکته مشترک و قابل تأمل در تمامی آن‌ها دیده می‌شود که عبارتند از:

- ۱) محوریت ایالات متحده آمریکا در اداره سازمان‌دهی و هدایت نبرد.
- ۲) تشکیل ائتلاف بین ایالات متحده آمریکا و کشورهای هم‌پیمان.
- ۳) حضور گسترده نیروهای مؤتلفه در سرزمین‌های دوردست مورد تعرض که به همین لحاظ لقب نیروهای فرامنطقه‌ای را گرفته‌اند.
- ۴) برتری مطلق نظامی نیروهای فرامنطقه‌ای نسبت به کشورها و حکومت‌های مورد هجوم.

تهدید:

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد تضاد منافع و خواسته‌های دو یا چند طرف باعث بروز تهدید از یک سو به طرف دیگر خواهد شد، که این تهدید می‌تواند لفظی یا اقدام عملی باشد، حتی تهدید نظامی هم می‌تواند کاملاً لفظی بوده یا منجر به محاصره نظامی و نهایتاً جنگ شود. به هر حال می‌توان گفت، تضاد منافع و عدم توازن نظامی در هر نقطه از جهان می‌تواند باعث بروز جنگ شود و هیچ کشور و ملتی از این قاعده مستثنی نیست، مخصوصاً این که به لحاظ موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی در منطقه‌ای بحران‌خیز و مورد طمع‌ورزی بیگانگان قرار گرفته باشد مانند ایران.

در طول تاریخ ثابت شده که کشور ایران همواره به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی، منابع سرشار انرژی و ثروت‌های خدادادی، همواره مورد توجه و حتی تعرض دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده که از جمله آخرین این تعرضات، توسط کشورهای فرامنطقه‌ای از جمله انگلیس و آمریکا و هم‌زمان با یورش شوروی سابق در خلال جنگ جهانی دوم را می‌توان نام برد. اکنون نیز به لحاظ موارد قید شده و افزون بر آن، تضاد ایدئولوژیکی با ایالات متحده آمریکا و عدم وجود رابطه متقابل و هم‌چنین عدم به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی، موجب شده تا تهدیدات از جانب ایالات متحده آمریکا هم‌چنان متوجه کشور گردد. تهدیدی که در بعد نظامی آن، افقی

جدید در راهبردها و تاکتیک‌های جنگی را به همراه داشته است، چرا که با نیم‌نگاهی به ادوار مختلف جنگ که قبلاً گفته شد و با محاسبه توان رزمی طرفین که یک عدم توازن و یک ناهمترازی در نیروهای نظامی طرفین برقرار است. به هر حال این عدم توازن، باعث به وجود آمدن رویکردهای جدیدی در صحنه نبرد شده و نوعی خاص از نبرد را با ابزار، تفکرات و تاکتیک‌ها به وجود آورده که از آن به نبرد همه‌جانبه در مقابل نیروی ناهمتر از تعبیر می‌شود.

این عدم توازن پیرو همان نظریه روند تکامل ادوار جنگ که گفته شد می‌باشد که بر اساس آن، ایالات متحده آمریکا، تهدیدی از نوع چهارم یا عصر چهارم است که مهم‌ترین ویژگی‌های نظامی آن عبارتند از:

- ۱) استفاده از تسلیحات پیشرفته.
 - ۲) فرماندهی و کنترل چالاک و یک پارچه.
 - ۳) حملات دقیق، سریع و مهلک.
 - ۴) برتری هوایی و فضایی.
 - ۵) برتری اطلاعاتی و توان انجام جنگ‌های اطلاعاتی، ارتباطی و الکترونیکی گسترده.
 - ۶) نیروهای نظامی حرفه‌ای و خبره.
 - ۷) حجم آتش فوق العاده بالا، گسترده، مؤثر و از راه دور.
 - ۸) جنگ افزارهای بدون سرنشین، خودکار، هوشمند و هدایت پذیر.
 - ۹) لجستیک قدرتمند و چابک.
 - ۱۰) قدرت پدافندی زیاد.
 - ۱۱) تجربه جنگی گسترده و توانایی انجام عملیات مشترک و مرکب (فراملیتی).
- علاوه بر این‌ها، ایالات متحده آمریکا می‌کوشد همان‌گونه که در سند چشم‌انداز ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ ارتش خود به تصویر کشیده، از طریق برنامه‌های گسترده تحقیق، توسعه و آموزش، به برتری همه‌جانبه دست یابد، از سوی دیگر برخی از نقاط ضعف ارتش‌های جهان سوم که بر نیروهای مسلح ایران نیز حاکم می‌باشد که این عدم توازن را تشدید می‌کند که عبارتند از:
- ۱) رغبت غیر قابل برگشت به فرماندهی از بالا به پایین و تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری.
 - ۲) تأخیر در واکنش به یک وضعیت تاکتیکی جدید.

تبعیت از تاکتیک و تکنیک تقلیدی.

برد عملیاتی محدود.

محدودیت در سیستم آموزشی جهت ایجاد تغییر به موقع در تاکتیک.

تعهد به رده‌های پدافندی سنتی.

نبرد در مقابل نیروی ناهمتراز:

بنابر تعاریف مختلف ارائه شده، هرگاه دو طرف مخاصمه از یک عدم تعادل بسیار فاحش از نظر توان رزمی برخوردار باشند و به تعبیری، یک طرف نسبت به طرف مقابل بسیار قوی‌تر باشد که حتی این برتری، شش بریک یا ده بریک باشد، عدم توازن ایجاد شده و باعث بوجود آمدن نوعی خاص از نبرد می‌شود که در آن، طرف ضعیف‌تر با بهره‌گیری از توانمندی‌های ناشناخته و تکنیک‌ها و تاکتیک‌های نامتعارف برای طرف قوی‌تر، مبادرت به زدن ضربات پی‌درپی به نقاط ضعف کشف‌شده طرف مقابل می‌کند. در این نوع نبرد، طرف ضعیف‌تر به طور غیرقابل پیش‌بینی از طرف دشمن، برآورد می‌کند، به طور غیرقابل پیش‌بینی از طرف دشمن، طرح‌ریزی می‌کند و به‌طور غیرقابل پیش‌بینی از طرف دشمن، می‌جنگد.

نیروی مدافع که در برابر یک تهاجم وسیع و گسترده توسط نیروی ناهمتراز قرار گرفته، بایستی کاملاً به محیط عملیاتی آگاهی داشته و نقاط قوت و ضعف قوای خودی و دشمن را شناخته و بر مبنای آن طرح‌ریزی مناسب انجام دهد و در طول این اقدامات، مشخصه‌های نبرد در برابر نیروی ناهمتراز را مدنظر داشته باشد که تعدادی از آن‌ها عبارتند از:

تکرار ناپذیری: هر اقدامی در برابر دشمن ناهمتراز، بایستی تکرار ناپذیر باشد زیرا اقدامات

ضد آن بلافاصله طرح‌ریزی و دائماً کنترل خواهد شد، لذا یک ناشناختگی دائم از اقدامات احتمالی باید در ذهن دشمن باشد.

همه جا، همه وقت، همه کس، همه چیز: این مشخصه برای دشمن، یک عدم اعتماد و

اطمینان به تمامی عناصر و محیط پیرامونی را دربرداشته و باعث ترس و دلهره دائمی او می‌شود.

نامشخصی و نامعینی جنگجویان: در نبرد برابر نیروی ناهمتراز، جنگجویان می‌توانند در

هر لباسی، در هر شغلی و در هر منصبی باشند. این، علاوه بر همان مطلب اختفا و استتار رایج سنتی است که بایستی به نحو احسن انجام شود.

ل کوتاه مدت: این مشخصه به منظور جلوگیری از مقابله با اقدامات انجام شده نیروی پدافندکننده توسط دشمن ناهمتراز است که بایستی حداکثر تلفات و خسارات در حداقل زمان به دشمن وارد شود.

علاوه بر مشخصه‌های فوق برای نبرد در برابر نیروی ناهمتراز، نیروهای تدافعی بایستی به یک‌سری از موارد توجه خاص داشته باشند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. به حداکثر رساندن برتری‌های خودی و حداکثر بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن.
 ۲. پرهیز از قرینه‌سازی با نقاط قوت دشمن.
 ۳. تأکید بر اصل کم‌ترین هزینه در مقابل بیشترین بازده.
 ۴. توجه ویژه به ابعاد عملیات روانی و عوامل برترساز و غیرفیزیکی در نبرد.
 ۵. توجه ویژه به عامل انسانی، زیرا در نبرد در برابر نیروی ناهمتراز انسان عنصر تعیین‌کننده‌ای است که مسئولیت حمله و اجرای عملیات علیه دشمن به عهده او است.
- با رعایت دقیق موارد گفته‌شده، مدافع می‌تواند ضمن بهره‌جستن از نقاط قوت خویش و ضربه‌زدن به نقاط ضعف دشمن، به هدفی مهم‌تر برسد و آن شکست طرح‌های دشمن است، همچنان که سن تزو نیز در کتاب هنر جنگ خود می‌گوید: آن چه که در جنگ از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است تک به استراتژی دشمن است (تأکید سن تزو روی شکست طرح دشمن است نه شکست ارتش او). لذا به کار بردن نیروها برای جنگیدن در برابر نیروی ناهمتراز، از یک سو نیاز به طراحی قوی، حساب شده و دقیق و از سوی دیگر، فرماندهان کارآمد، شجاع، مبتکر و خلاق دارد تا با کنترل و هدایت نیروهای تحت امر خود برای وارد کردن ضربه به استراتژی دشمن از طریق ایجاد دلهره و رعب در دل دشمن یا خسته کردن، مستأصل کردن و به ستوه آوردن نیروهای مهاجم نهایتاً او را از ادامه تجاوز باز داشته و وادار به ترک محاصره و تمکین در برابر خواست مدافع نماید. بنابراین فرماندهی و کنترل در نبرد ناهمتراز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که چالش‌ها و مسائل خاص خود را دارد.

فرماندهی و کنترل در مقابل نیروهای ناهمتراز:

ساموئل گریفیت^۱ در مقدمه کتاب هنر جنگ می‌نویسد، یکی از دشوارترین مسائلی که هر فرمانده ممکن است با آن مواجه شود، این است که نیروهایش را مطابق با طرح کاملاً توسعه یافته‌اش به کار گرفته باشد ولی مجبور شود آن طرح را برحسب تغییر وضعیت‌های پیش آمده اصلاح کرده و تغییر دهد. این همان چالش اساسی برای سیستم فرماندهی و کنترل نیروی مدافع هنگام وارد شدن در یک نبرد ناهمتراز است.

مدیریت نظامی به سیستم‌های فرماندهی و کنترل وابسته است و در حال حاضر افزایش سرعت، دقت و وسعت منازعات، دخالت منابع انسانی و محدودیت‌های فن آوری موجب پیچیدگی بیش از حد سیستم‌های فرماندهی و کنترل شده است. از طرفی عدم قطعیت صحنه نبرد و پیچیدگی‌های ذکر شده، امکان بهره‌گیری از روش‌های سنتی تجزیه و تحلیل اطلاعات را با مشکل مواجه ساخته است. فرماندهی و کنترل یعنی سازمان دادن نفرات و تجهیزات با بهره‌گیری از اطلاعات برای طرح‌ریزی، هدایت و کنترل عملیات. در تشکیل یک سیستم فرماندهی و کنترل، چهار مدیریت اصلی فعالند: مدیریت تأمین ارتباط، مدیریت مخابرات، مدیریت بانک اطلاعات و مدیریت منابع. فرماندهی و کنترل مؤثر، همواره یکی از ابزارهای ضروری جهت اخذ موفقیت و توسعه موفقیت‌های به دست آمده می‌باشد. از این رو در نبردها، هریک از طرفین سعی در از کار انداختن سیستم فرماندهی و کنترل طرف مقابل دارد.

ایالات متحده آمریکا نیز بر مبنای تئوری پنج حلقه واردن که توسط سرهنگ هوایی جان واردن^۲ مشاور نظامی پنتاگون و شورای امنیت ملی آمریکا در دهم آگوست ۱۹۹۱ مطرح شد و دقیقاً مورد استفاده فرماندهان عملیاتی آمریکا و متحدین در جنگ ۴۳ روزه سال ۱۹۹۱ عراق، مناقشه ۱۱ هفته‌ای سال ۱۹۹۹ کوزوو علیه یوگوسلاوی و جنگ ۲۰۰۳ خلیج فارس قرار گرفت، سعی در از کار انداختن سیستم فرماندهی و کنترل و مغز متفکر نیروهای مدافع داشت و در این راه به موفقیت‌های چشم‌گیری نیز رسید. مطابق این الگوی تهاجم، اولین بخش از هر کشور که مورد توجه قرار می‌گیرد رهبری هدایت‌کننده امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دفاعی کشور است

1- Samuel Grifit

2- John warden

(هم چون مغز انسان). نظام فرماندهی و کنترل نیروهای مسلح (فرمانده کل قوا، ستاد مشترک و ستاد فرماندهی های نیروها) بخش رهبری نیروهای مسلح (و بخش دفاع) محسوب می شود. جنگ فرماندهی و کنترل، راهبردی نظامی است که از طریق جنگ اطلاعات با انهدام فیزیکی در صحنه نبرد پیوند می خورد. هدف از جنگ فرماندهی و کنترل، جدا کردن سر ساختار فرماندهی از بدنه نیروهای تحت امرش است یعنی جدا کردن مغز متفکر و عامل تصمیم گیرنده.

امنیت سیستم فرماندهی و کنترل:

پیشرفت فن آوری، نحوه فرماندهی و کنترل را ارتقا بخشیده، لذا فرماندهان بایستی از توانایی ارزیابی اطلاعات در یک محیط پیچیده برخوردار باشند. این پیشرفت فن آوری، آسیب پذیری هایی را به همراه دارد که مهم ترین آن جنگ اطلاعات است.

جنگ اطلاعات^۱ تهدید اصلی سیستم فرماندهی و کنترل است. جنگ اطلاعات به کلیه اقداماتی اطلاق می شود که منظور از آن ها بهره برداری و یا هدف قراردادن شبکه گردش اطلاعات و فرامین است. جنگ اطلاعات می تواند هر نوع رسانه^۲ را مورد هدف قرار داده و یا از آن به نفع خود استفاده کند. بخشی از جنگ اطلاعاتی، جنگ فرماندهی و کنترل است که بر ضد نقاط فرماندهی و کنترل طرف مقابل است و به دو قسمت اصلی تقسیم می شود:

۱. بر ضد شخص فرمانده^۳ که به منظور از کار انداختن فرماندهان از طرق گوناگون اجرا می شود.

۲. بر ضد ارتباطات فرمانده و مجموعه تحت امر او^۴ که در این قسمت، ارتباط بین فرماندهان و نیروهای تحت امر و نقاط عملیاتی که می بایست فرامین در آن جا به اجرا در آیند قطع می شود، مانند جنگ الکترونیک و جنگ سایبریک^۵.

-
- 1- Information warfare
 - 2- Media
 - 3- Anti head
 - 4- Anti neck
 - 5- Cybernetic

چه باید کرد؟

ایالات متحده آمریکا با تکیه بر فن آوری برتر در تمامی عرصه‌ها و تسلط بر هوا و فضا و سیطره بر گستره عظیم اطلاعات منتشره در محیط، از یک طرف سعی در تغذیه اطلاعاتی سیستم فرماندهی و کنترل خود داشته و از طرف دیگر، با تکیه بر همین توانمندی‌ها سعی در اخلال و از کار انداختن سیستم فرماندهی و کنترل نیروی مقابل خود را دارد. اما باید این موضوع را هم مدنظر داشت که این دشمن سرسخت و به ظاهر ابرقدرت، دارای نقاط ضعف فاحشی هم می‌باشد که با بهره‌گیری به موقع از آن‌ها می‌توان ضمن وارد آوردن ضربات مهلک و اثربخش، چاره‌اندیشی مناسبی برای حفظ و بقای سیستم فرماندهی و کنترل نیروهای خودی در نبرد مقابل نیروی ناهمتراز داشت که تعدادی از این نقاط ضعف عبارتند از:

۱) آسیب‌پذیری در جنگ نامنظم.

۲) عدم پذیرش تلفات زیاد.

۳) اجتناب از طولانی شدن جنگ.

۴) وابستگی بیش از حد به اطلاعات کامل و به هنگام.

۵) وابستگی کامل به پشتیبانی هوایی.

همچنین باید در نظر داشت که هنگام نبرد در برابر نیروی ناهمتراز، تصمیم‌گیری به موقع و صحیح فرماندهان از اهمیت بالایی برخوردار است. اصولاً سه نوع فرآیند تصمیم‌گیری وجود دارد:

۱. تصمیم‌گیری از نوع وابستگی ترتیبی، در بخش‌های مختلف تصمیم‌گیری‌هایی می‌شود که این

تصمیم‌گیری‌ها، پی‌درپی و وابسته به هم می‌باشند.

۲. تصمیم‌گیری از نوع وابستگی همگرا، که همان نوع شورایی است.

۳. تصمیم‌گیری مستقل.

با اندک توجه درمی‌یابیم که در جنگ برابر نیروی ناهمتراز، بهترین روش تصمیم‌گیری فرماندهان، تصمیم‌گیری مستقل است. چون در این نوع تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیرنده دارای اختیارات تام بوده و توان اجرایی کامل برای تصمیمات اتخاذ شده را دارد.

با توجه به موارد گفته شده، مدافع هنگام نبرد در مقابل نیروی ناهمتراز، جهت حفظ سیستم فرماندهی و کنترل خود و یا به حداقل رسانده تبعات ناشی از قطع کامل سیستم فرماندهی و کنترل و در وهله بعد وارد آوردن خساراتی به سیستم فرماندهی و کنترل متجاوز اقدامات زیر می تواند راه گشا باشد. این اقدامات در سه بخش کلی می تواند انجام شود، بخش اول قبل از درگیری و در طرح ریزی های مقدماتی و بلند مدت، بخش دوم هنگام تجاوز نیروی ناهمتراز و بخش سوم، اقدامات متقابل برای از کار انداختن سیستم فرماندهی و کنترل نیروی ناهمتراز.

الف. قبل از درگیری:

۱. پرورش فرماندهان جزء که می توانند در چهار چوب هدف فرمانده ارشد خود تصمیم بگیرند (تمرکز زدایی)، این نکته حائز اهمیت است که تنها راه کاهش زمان واکنش یگان، شبکه ای کردن سیستم فرماندهی و کنترل نیست، بلکه اولین و مهم ترین روش تمرکززدایی از سیستم تصمیم گیری و تفویض اختیارات به فرماندهان رده پایین برای کوتاه کردن مسیر اخذ تصمیم و صدور فرمان است. اگر شبکه ای کردن و اتوماسیون باعث تمرکزگرایی در تصمیم گیری و کاهش استقلال رأی فرماندهان رده پایین شود، در عمل آسیب پذیری سیستم فرماندهی و کنترل، در مقابل حملات هوایی، موشکی و جنگ الکترونیک را افزایش خواهد داد. بنابراین، پرورش فرماندهان جزء که می توانند در چهارچوب هدف فرمانده ارشد خود، تصمیم بگیرند (تصمیم گیری غیر متمرکز) امری حیاتی خواهد بود.

۲. پیش بینی واحدهای کوچک توانمند (خودکافی کردن یگانها از نظر پشتیبانی آتش، مهندسی، مخابرات، پدافند هوایی).

۳. قابلیت انعطاف در طرح های عملیاتی.

۴. توسعه فرماندهی مستقل تا پایین ترین رده.

۵. شناسایی دقیق (رفتن با پا و دیدن با چشم) از مناطق مورد تهدید برای طرح ریزی عملیات

پدافندی در برابر نیروی ناهمتراز.

ب. هنگام تجاوز نیروی ناهمتر از:

۱. استفاده از حداقل نقاط ارتباطی.
۲. استفاده از فرماندهی و کنترل سیار و چابک (مقرهای فرماندهی باید کوچک، پرتحرک و سیار باشد).
۳. حتی المقدور عدم اتکای مأموریت یگان به مأموریت سایر یگان‌ها.
۴. ابلاغ کل مأموریت در دستور آگهی.
۵. به حداقل رساندن اقدامات کنترلی به منظور افزایش خلاقیت و ابتکار در فرماندهان زیردست.

۶. دادن اختیار به فرمانده هر رده برای آغاز درگیری و جابه‌جایی در محدوده یگان.

پ. اقدامات متقابل برای از کار انداختن سیستم فرماندهی و کنترل نیروی ناهمتر از:

۱. ناامن کردن شبکه‌های ارتباطی و حساسه‌های دشمن از طریق شنود، پارازیت، فریب و انهدام.
۲. ناامن کردن بانک‌های اطلاعاتی دشمن (نفوذ رایانه‌ای).
۳. ناامن کردن فیزیکی (دسترسی به اطلاعات از طریق سرقت و انهدام).
۴. پایداری نفرات و تجهیزات در صحنه نبرد.

منابع:

۱. استراتژی فناوری دفاعی آمریکا (از سال ۱۹۹۰ م. تا سال ۲۰۰۵ م.)، انتشارات مدیریت تحقیقات و مهندسی دفاعی آمریکا (ژوئیه ۱۹۹۲)، ترجمه دفتر مطالعات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع (چاپ آذر ۱۳۷۳).
۲. ارتش آمریکا، (۲۰۰۴)، آئین‌نامه عملیات (FM 100-5).
۳. حکیمی پور، ابوالقاسم، (۱۳۷۷)، تصمیم‌گیری در مدیریت، مشهد، انتشارات آستان قدس،
۴. شهبایی، ناصر، (۱۳۸۵)، مدیریت استراتژیک در نیروهای مسلح، تهران، دافوس آجا.
۵. فصلنامه سیاست دفاعی دانشگاه امام حسین (ع)، مقاله جنگ زمینی در قرن بیست و یکم.
۶. گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، (۱۳۷۰)، مقاله دکترین جنگ با شدت کم.
۷. (۱۳۸۵)، جنگ الکترونیک، تهران، دانشکده اطلاعات آجا.
۸. (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات جنگ نامتقارن، تهران، دافوس آجا.
۹. موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع، (۱۳۸۴)، احیاء راهبردهای معماری سیستم C4I.
۱۰. C4ISR در چشم انداز مشترک ۲۰۱۰ ایالات متحده آمریکا.